

راه

فوق العاده

توده

۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۶

تشدید توطئه های بازار، روحانیون وابسته به بازار، فرماندهان بازاری سپاه و انصار سازمان یافته توسط این طیف علیه دکتر "محمد خاتمی" خود گویاترین دلیل انتخاب وی از سوی مردم است!

در انتخابات ریاست جمهوری

توده ای ها به آگاهی، خواست و انتخاب مردم رای می دهند!

پیوند با توده ها در خمیره حزب توده ایران است. ما توده های زحمتکش را همان طور که هستند، با همه معتقدات مذهبی و غیر مذهبی، با همه فرهنگ و سنتی که دارند و تجربیاتی که کسب کرده اند و نتایجی که گرفته اند، درک می کنیم. ما به توده ها و ضرورت پیوند با آنها اعتقاد داریم. هدف و قصد عمال امپریالیسم و ارتجاع از سرکوب و خشیانه حزب توده ایران و غیر قانونی اعلام کردن آن چیزی نبوده است بجز جدا کردن حزب از توده ها و توده ها از حزب (زنده یاد "جوانشیر" سیمای مردمی حزب توده ایران، ص ۵۲)

غارتگری و قدرت سیاسی، سرکوب جنبش آزادیخواهی مردم ایران و بویژه یورش به جنبش دانشجویی کشور، بازگشت به دهه ۶۰ برای پرکردن زندان ها و پراشه انداختن اعدام های دسته جمعی، قلع و قمع روشنفکران و متفکران مذهبی و غیر مذهبی، تا حد یورش به حوزه های علمیه مذهبی و...

غارتگران بازاری و ارتجاع مذهبی و خائتین به انقلاب بهمن، که مردم را به خاک سپاه نشانده اند، با این برنامه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده اند. طرفداران این نگرش و برنامه، که در جریان انتخابات مجلس پنجم از مردم توده های خورده اند، خشمگین و درعین حال بیسم زده و نگران از سرنوشت خویش، با تمام نیرو در کارزار انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده اند. سران حزب مولفله اسلامی، روحانیون وابسته به بازار و حجتیه که در جامعه روحانیت مبارز جمع شده اند و شورای نگهبان (مخالف) قانون اساسی را در قبضه خود دارند، پیشتر از این نگرش و برنامه اند!

آنها از همان نخستین مرحله انتخابات مجلس پنجم، که متوجه طرد قاطع خویش از سوی مردم شدند، در داخل و خارج از کشور توطئه ها را سازمان دادند. در داخل کشور بخشی از روحانیون حوزه علمیه قم را با خود همراه ساختند و در انگلستان نیز خود را تسلیم سیاست های این امپریالیسم کهنه کار معرفی کردند و حمایت آن را خواستار شدند. سفر رهبران حزب مولفله اسلامی به قم و دیدار با برخی آیت الله ها، که در روزنامه رسالت خبر آن با عنوان عوامفریبانه "مشورت با آیات اعظام" منتشر شد، اما در نامه آیت الله "مسهودی" مشخص شد که برای ابلاغ دستور و تعیین تکلیف به آنها مراجعه کرده بودند، و انشای بخشی از مذاکرات و زدویندهای پنهان محمد جواد لاریجانی در لندن دو سوی این تلاش داخلی و خارجی است، که همچنان ادامه دارد. "ناطق نوری" از سوی این طیف و بعنوان کارگزاری خدمتگذار، بعنوان کاندیدای اصلح و شایسته ریاست جمهوری معرفی شده و قرار است، جاده صاف کن قدرت کامل این طیف در جمهوری اسلامی شود.

این طیف که بسیاری از فرماندهان سپاه و بسیج را با سهیم ساختن در غارت اجتماعی و شرکت های تجاری با خود شریک کرده و به خدمت گرفته اند، شعارشان دفاع از "ولایت مطلقه فقیه"، "جلوگیری از تکرار سرانجام انقلاب مشروطیت" و "لیبرال ستیزی" است. یورش تبلیغاتی به جامعه، حکایت از آن دارد، که این شعارها، که دروغ بودن و عوامفریبانه بودن همه آنها اکنون بسرعت در میان مردم افشاء شده، در یک تقسیم کار و منافع، از سوی سه گروه همسو و هماهنگ با هم، که هدایت کننده اصلی همه آن ها "حجتیه" است، تبلیغ می شود.

۱- آیت الله مهدوی کنی، پرچم دفاع از نقش روحانیت و جلوگیری از تکرار انقلاب مشروطه را برافراشته و در ستیز با حجت الاسلام خاتمی خود را نگران تکرار ماجرای انتخاب بنی صدر اعلام می دارد.

۲- سران مولفله اسلامی، سنگ "ولایت مطلقه فقیه" را به سینه می زنند.

هفتمین انتخابات ریاست جمهوری در ایران به صحنه رویارویی دو نگرش نسبت به بحرانی که سرآپای جمهوری اسلامی را دربر گرفته، تبدیل شده است. این دو نگرش، عملاً جامعه را به دو حلقه اقلیت و اکثریت تبدیل ساخته است: اقلیتی، که از ادامه غارتگری، سرکوب و ارتجاع دفاع می کند و اکثریتی که می خواهد بطور مسالمت آمیز و با رای خود در برابر این اقلیت بایستد. رد صلاحیت کاندیداهای ملی و ملی مذهبی خارج از حاکمیت، از سوی شورای نگهبان، عملاً دایره انتخاب مردم را بین دو کاندیدا با دو نگرش محدود ساخته است. مردم از میان دو کاندیدا، یعنی "محمد خاتمی" و "ناطق نوری"، اولی را بعنوان کاندیداتی که اعلام کرده است، در برابر ارتجاع می ایستد، از عدالت اجتماعی دفاع می کند، قانون را بر مملکت حاکم ساخته و از حریم قانونی مردم دفاع می کند، قانون اساسی را اجرا می کند، شوراهای را جانشین خودسری و حکومت ملوک الطوائفی روحانیون در نقاط مختلف ایران می کند، از آزادی مطبوعات و احزاب دفاع می کند و راه های بسته شده از سوی ارتجاع به روی زنان را باز می کند و... برگزیده اند.

این انتخاب مردم است در دایره تنگ و بسته ای که حکومت برایشان باقی گذاشته است. تشدید توطئه ها در هفته های اخیر، پخش انواع اعلامیه ها علیه "محمد خاتمی"، یورش به مجالس سخنرانی وی، بسیج روحانیون بازاری علیه وی، تهدیدهای آشکار و پنهان فرماندهان سپاه و بسیج علیه "محمد خاتمی"، رفت و آمدها و نشست های بی وقفه سران بازار و فرماندهان نظامی و تجار بزرگ بازار در تهران، ... همگی نشانه این انتخاب و نشان از بیم اقلیت از پیروزی اکثریت مردم، در همان مرحله اول انتخابات دارد. مردم برنامه ای را برگزیده و به نفعی که خود را آماده شکستن قدرت مافیای بازار و ارتجاع مذهبی و ایجاد تحولاتی بسیار اندک در جمهوری اسلامی اعلام کرده، می خواهند رای بدهند. ارتجاع و سرمایه داری حاکم در جمهوری اسلامی می خواهد در برابر این رای بایستد. ستیزی که اکنون با پاره کردن پوسته های ناطق نوری در تهران جریان دارد، خشمی است که مردم نسبت به وضع موجود و مقابله با تحمیل کاندیدای اقلیت به اکثریت مردم از خود نشان می دهند. مقاومت در برابر این خواست مردم و نیاز اجتماعی، مستی تواند سرآغاز خشونت هائی شود، که ابعاد آن از اکنون قابل پیش بینی نیست!

این دو نگرش کدامند؟

نگرش اول معتقد است به: ضرورت یورش به مطبوعات، تشدید خصوصی سازی و هماهنگ شدن با برنامه اقتصادی امپریالیسم جهانی (لیبرالیسم اقتصادی)، سپردن کامل اقتصاد کشور بدست تجار و بازاری ها، گسترش گروه های فشار (نظیر انصار حزب الله) و تبدیل آنها به ابزار دست ارتجاع مذهبی و غارتگران بازاری، همسوئی علنی با امریکا و انگلستان در منطقه، ستیز با فرهنگ ملی ایران، شریک ساختن باز هم بیشتر فرماندهان نظامی سپاه و بسیج سپاه پاسداران و نمایندگان ولی فقیه در این ارگان ها در

۲- انصار حزب الله و سازمان تبلیغات اسلامی نیز "لیبرال ستیزی" را سهم خود ساخته اند.

برای آنکه فقط گوشه‌ای از پرده‌ای را که ارتجاع و مافیای اقتصادی-تجاری ایران خود را پشت آن می‌خواهند پنهان سازند، بالا زده باشیم، چند نکته زیر، پیرامون این تقسیم وظیفه سه گانه کافی است.

الف:

* آیت الله کنی، خود وزیر کشور بنی صدر بود و از حامیان وی در حزب جمهوری اسلامی و روحانیت مبارز(جداً از تفسیر و تحلیلی که پیرامون دوران ریاست جمهوری ابوالحسن بنی صدر وجود دارد)

* انگلستان در به انحراف کشاندن انقلاب مشروطیت و به خدمت گرفتن روحانیون برای پایان بخشیدن به انقلاب مشروطیت بیشترین سهم را داشت.

* آیت الله کنی در تمام سال‌های پس از انقلاب بهمن ۵۷ با توصیه و معرفی "جعفر شریف امامی" لواء اعظم فراماسوئری ایران، با انگلستان عمیق ترین رابطه را داشته و در سفرهای پیاپی خود به لندن نقش پل ارتباطی جمهوری اسلامی با انگلستان را ایفاء کرده است. در داخل کشور، او را احیاء کننده فراماسوئری نوین ایران می‌شناسند، که عضو شورای رهبری مخفی سازمان "حجتیه" نیز می‌باشد.

بنابراین اشارات بسیار کوتاه، مشخص است که وظیفه آیت الله کنی در جمهوری اسلامی چیست و او سنگ انقلاب مشروطه را به سینه می‌زند و یا سنگ انگلستان را! او که خود را نگران حذف روحانیت از صحنه سیاسی معرفی می‌کند، خود نقش بسیار مهمی در حذف بسیاری از روحانیون ملی و طرفدار استقلال ایران در جمهوری اسلامی را داشته است؛ همان اندازه که در رساندن روحانیون انگلیسی، روحانیون بازاری، روحانیون ارتجاعی و روحانیون طرفدار بازگشت به دوران فئودالیسم به قدرت، در ایران سهم داشته است.

ب:

* سران مولفه اسلامی که طرفدار ولایت مطلقه فقیه شده اند، بزرگ ترین مخالفان آیت الله خمینی در سال‌های بودند که او متهم به گرایش به رادیکالیسم اقتصادی و سهل انگاری در جلوگیری از آزادی‌ها بود. آنها به کمک روحانیون مرتجع و بازاری توانستند دو بند اساسی از قانون اساسی کشور را در همان سال‌های نخست پیروزی انقلاب از دفتر انقلاب پاک کنند. متوقف ماندن تقسیم اراضی کشاورزی و بازرگانی دولتی دو پیروزی بزرگ آنها و سرآغاز پیروزی‌های بعدی بود. گروه ۹۹ نفره آنها در مجلس اسلامی تا پایان حیات آیت الله خمینی نیز حاضر به تمکین از ولایت او نشدند. ناطق نوری، نامزد کنونی مولفه اسلامی برای ریاست جمهوری یکی از این ۹۹ نفر بود. توطئه آنها برای حذف آیت الله منتظری از صحنه سیاسی و مذهبی ایران نیز برگ دیگری است از دفتر سیاه این طیف در جمهوری اسلامی برای قبضه کامل قدرت پس از درگذشت آیت الله خمینی. این سابقه، حداقل برای تمام دست اندرکاران حکومتی در جمهوری اسلامی باز شناخته شده است و نیاز به تکرار آن نیست، بلکه مروری است به هدف مراجعه افکار عمومی مردم ایران به گذشته! نظر مخالف حزب توده ایران در باره بند "ولایت فقیه" از همان ابتدای انتشار قانونی اساسی و به فراتر گذشتن آن مشخص بود و با صراحت نیز اعلام شد؛ اما آنچه که اکنون سران مولفه اسلامی پشت آن سنگ گرفته اند چیست؟ آنها، حتی در همین دوران که علم "ولایت مطلقه فقیه" را برافراشته اند، در عمل نشان داده اند، که کوچکترین اعتقاد و باوری به رهبری و یا ولی فقیه کنونی در جمهوری اسلامی ندارند و فعلاً او را پلکان قبضه قدرت خویش کرده اند، تا اگر وی سرنوشتی مانند احمد خمینی پیدا نکرد، در فرصت مناسب به همان گوشه عزلتی رانده شود، که آیت الله منتظری و امثال آیت الله اردبیلی رانده شدند. سفر جنجالی سران این حزب به قم (پس از اولین دورانتخابات مجلس پنجم) و بسیج آیت الله‌های بازاری و مرتجع برای حمایت از ناطق نوری، نه تنها رویارویی مستقیم با "علی خامنه‌ای" بود که خود را در انتخابات ریاست جمهوری بی طرف اعلام کرده و طبعاً نباید آیت الله‌های قم را در مقابل علم می‌کردند، بلکه نمونه و نشانه‌ای از آن صحنه آرائی بود که در آینده، بر قدرت تر از امروز علیه رهبر کنونی و به منظور جانشین ساختن وی با رهبری از میان روحانیون وابسته تر به خود سازمان داده خواهد شد. این صحنه آرائی برای راندن وی از صحنه و جمع کردن بساط ولایت فقیه و اعلام "حکومت عدل اسلامی" و لغو قانون اساسی و سپردن امور مذهبی بدست آیت الله هانی نظیر مهدوی کنی و یا "واعظ طیبی" است؛ بنابراین "ولایت مطلقه فقیه" از نظر آنها که پشت این شعار سنگ گرفته اند، گامی است در جهت رسیدن به جامعه آرمانی

"بازار"! اخبار تکانه‌دهنده‌ای، پیرامون این طرح‌ها، در این روزها در ایران منتشر شده است.

پ:

* گردانندگان واقعی انصار حزب الله، مولفه اسلامی، روحانیت مبارز و سازمان تبلیغات اسلامی هستند. هزینه و سازماندهی آن نیز در اختیار دو بنیاد مافیائی "مستضعفان و جانبازان" و "کمیته امداد امام خمینی" است، که اولی را محسن رفیق دوست عضو شورای مرکزی مولفه اسلامی و دومی را حبیب الله عسگر اولادی دبیرکل مولفه اسلامی اداره می‌کنند. در هر شهر و شهرستانی چند ده و یا چند صد وابسته مالی به این دو بنیاد را با پول تطمیع کرده و برای یورش های نوبتی و سیاسی به مجامع و محافل مذهبی و سیاسی علمی، و اکنون برای یورش به سخنرانی‌های انتخاباتی "محمد خاتمی" در خدمت دارند. فرماندهان بسیج و سپاه پاسداران که از کنار کمیته امداد، بنیاد مستضعفان و تجارت و دلالتی به ثروت‌های انسانی دست یافته‌اند و بخشی از مافیای اقتصادی-سیاسی جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند، در همکاری تنگاتنگ با مولفه اسلامی، روحانیون بازاری، روحانیت مبارز تهران در عین غارتگری، سازمانده بزرگ ترین جنایات مافیائی نیز هستند. وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی که رسماً با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به روحانیون قم از آنها خواسته است تا به ناطق نوری رای بدهند، در هماهنگی با این طیف عمل می‌کند. این مافیا بسیار شباهت به مافیائی دارد که در مسکو عمل می‌کند و اکنون نیز برای قبضه کامل قدرت سیاسی وارد صحنه سیاسی روسیه شده است. این مجموعه در ایران، طرفدار لیبرالیسم اقتصادی امپریالیسم جهانی است و بر اساس اخبار و اطلاعاتی که در جریان کارزار انتخاباتی اخیر به کوچه و خیابان راه یافته، علاوه بر زدوبند پنهان در انگلستان، که مساجرای سفر "محمد جواد لاریجانی" نمونه افشاء شده آنست، اکنون و از طریق مطبوعات نیز علناً برای امریکا پیام فرستاده‌اند که در صورت پیروزی در انتخابات فوراً با امریکا وارد مذاکره و آشتی خواهند شد. بنابراین، همانطور که ما بلافاصله

پس از مشخص شدن نتایج اولین دور انتخابات مجلس پنجم نوشتیم، پرچم "لیبرال ستیزی" که این طیف بلند کرده است و انصار حزب الله را به این بهانه راهی خیابان‌ها کرده است، یگانه هدفی را که دنبال می‌کند، ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و یورش به جنبش آزادیخواهی مردم ایران و بویژه جنبش دانشجویی و روشنفکری کشور است؛ چرا که هدایت کنندگان پشت صحنه این جنجال آفرینی، خود بزرگترین طرفداران "لیبرالیسم اقتصادی امپریالیستی" اند. آنها برای سازش با امریکا و انگلستان نیازمند سرکوب جنبش آزادیخواهی مردم، بستن روزنامه‌ها و دوختن دهان‌ها هستند و با تمام نیرو در این جهت گام بر می‌دارند. آنها این یورش را یگانه راه حل برای ادامه غارتگری می‌دانند و یقین نیز دارند که در صورت تسلط مطلق بر قدرت و بستن همه دهان‌ها و شکستن همه قلم‌ها، از همان حمایتی برخوردار خواهند شد، که "طالبان" افغانستان از سوی امریکا و انگلستان از آن بر خورده‌است. آنها می‌دانند، که تمام مخالف خوانی‌های امریکا و انگلستان با جمهوری اسلامی، برای گرفتن سهم بیشتر در ایران و فشار برای ایجاد قدرت متمرکز و یکپارچه بازار و مافیای اقتصادی(نظیر حکومت "پلتسین-مافیا" در روسیه است که به دو دلیل قابل مذاکره خواهد بود:

الف- پایگاه مردمی نخواهد داشت و ناچار به دادن همه امتیازات خواهد بود

ب- مخالف درونی نخواهد داشت و مذاکرات سازش (خیانت ملی به استقلال کشور را) با استفاده از قدرت نظامی برای سرکوب مخالفان داخلی پیش خواهد برد.

امپریالیسم بسیار خوب می‌داند، که وابستگی فرماندهان سپاه و بسیج به این طیف، و با این یقین که بدنه نیروهای نظامی و مردم در یک حکومت بازاری و غارتگر و تحت فرماندهی فرماندهان تاجر پنبشه هرگز توان مقابله با یورش نظامی از خارج کشور را نخواهد داشت، مشوق ارتجاع مذهبی-بازاری برای قبضه کامل قدرت است. نقشی که فرماندهان سپاه و بسیج برای مقابله با رای و نظر مردم در انتخابات مجلس پنجم و کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری بر عهده گرفته‌اند، نفرتی را در توده مردم، تسل جوان ایران و حتی بدنه این نیروها برانگیخته است، که پاره کردن پوسته‌های انتخاباتی ناطق نوری کوچکترین نشانه آنست! سقوط بقایای اعتماد توده‌های مذهبی ایران نسبت به سپاه و بسیج، که اکنون و بر اثر افشای وابستگی فرماندهان این نیروها به بازار و غارتگران، تشدید شده، در نهایت خود همان نقشی را به این فرماندهان واگذار خواهد کرد، که خواست امپریالیسم جهانی است: کوشش برای تبدیل نیروهای نظامی به بازاری مسلح بازار، سرمایه داری تجاری و ارتجاع مذهبی ایران! و تصفیه صفوف آن از نیروهای مخالف این سرنوشت!

نگرش دوم معتقد و مدعی است به: جلوگیری از سقوط کامل ایران در دامان ارتجاع مذهبی و دست یافتن بازار و سرمایه داری تجاری ایران به نفت ایران و تبدیل آن به محور تجارت، گشایش فضای بسته سیاسی کشور، دفاع از قانون اساسی، گسترش صنایع و تولید داخلی بجای تجارت و بازرگانی خارجی، سهم ساختن زنان کشور در سرنوشت سیاسی ایران، گشایش فضای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای نزدیک به ۳۰ میلیون جوان ایرانی، مهار زدن به خود سرب نهاد های دولتی و غیر دولتی در پایمال ساختن حقوق اولیه مردم، تامین عدالت اجتماعی و جلوگیری از گسترش بازم بیشتر فقر و مسکنت دهها میلیون ایرانی و... (تمامی این اصول و پایبندی به آنها دکتر خاتمی در نطق نیم ساعته خود از تلویزیون و در آغاز هفته تبلیغاتی انتخاباتی اعلام داشت)

سه گروه بندی و جنبش، در پشت این نگرش، که اکنون "محمد خاتمی" پرچمدار نماینده آن باز شناخته شده است قرار گرفته اند:

* طرفداران مذهبی آرمان های برپاد رفته انقلاب بهمن ۵۷، که بزرگ ترین فرصت های تاریخی را برای هدایت انقلاب در مسیر واقعی خود، در زمان آیت الله خمینی از دست دادند و با این خیال خام، که باورهای مذهبی پیوند ناگسستنی بین نیروهای مذهبی با گرایش ها و پیوندهای طبقاتی مختلف است، به آسانی تسلیم بازار و روحانیون ارتجاعی شدند. آنها اکنون، با تجربه اننوزی از گذشته، از آزادی مطبوعات و احزاب علنا دفاع کرده و آنها در کنار عدالت اجتماعی، از جمله انتظارات خود از کاندیدای ریاست جمهوری خویش می دانند. افشاگری بسیار مهم نشریات وابسته به این طیف، از جمله "سلام"، "عصر ما"، "مبین" و دهها نشریه محلی در شهرهای کوچک و بزرگ ایران در سال های اخیر سهم بزرگی در رشد آگاهی توده های مزدک و بازگشت آرام و تدریجی اعتماد توده های مردم مذهبی به این طیف ایفاء کرده است:

* کارگزاران دولت هاشمی رفسنجانی، که بخشی از آنها، پس از پایان جنگ، زیر فشار شدید بازار و همچنین زیر فشاران بی آمان امریالیسم جهانی پیرامون فروپاشی اردوگاه سونیالیسم و نبودن هیچ چاره ای جز تسلیم شدن به خواست های امریالیسم آمریکا، سنگر خویش را تغییر داده و به مدافعان برنامه اقتصادی صندوق بین المللی پول، موسوم به "تعدیل اقتصادی" شدند؛

* و بالاخره نیروی اساسی و توده ای مردم، که ما آنها "جنبش نوین مردم ایران" بازمی شناسیم. این جنبش قدرت و آگاهی خود را در انتخابات مجلس پنجم، با طرد سران مولفانه اسلامی و روحانیون حکومتی به نمایش گذاشت و نقش مشوق اصلی دو طیف بالا برای ورود به کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری را برعهده داشته است. این جنبش طرفدار آزادی، طرفدار مقابله قاطع با ارتجاع مذهبی-بازاری، طرفدار عدالت اجتماعی و مدافع کوتاه ساختن دست بازار و سرمایه داری تجاری از اهرم های قدرت در جمهوری اسلامی است.

بنابراین نگرش به اوضاع داخل کشور و کارزاری که بی وقته از انتخابات مجلس پنجم تاکنون ادامه یافته و می رود تا مهر خود را بر پیشانی انتخابات ریاست جمهوری بزند، مردم ایران نگرش نخست را طرد کرده و نگرش دوم را انتخاب کرده اند. آرائی که برای دکتر "محمد خاتمی" به صندوق های آراء ریخته می شود، از نظر حزب توده ایران معنی و مفهومی جز این نگرش و انتظار توده های مردم ندارد. مردم به تحولات رای می دهند و دکتر خاتمی با وعده این تحولات در کارزار انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده است.

ما این انتخاب مردم را، گامی بزرگ از سوی میلیون ها ایرانی برای ایجاد تغییرات در جمهوری اسلامی می شناسیم و در کنار آنها و با این آگاهی در انتخابات شرکت می کنیم. تمامی مقابله ای، که در هفته های اخیر برای درهم شکستن رای مردم، رد مصوبه مجلس برای حضور نمایندگان کاندیداها در حوزه های رای گیری از سوی شورای نگهبان و بمنظور باز گذاشتن دست خود برای تقلب در صندوق های آراء سازمان داده شده است؛ و همچنین به میدان کشیدن نیروهای نظامی، پخش انواع جزوه های تهدید آمیز، ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و بویژه روشنفکران کشور برای خانه نشین ساختن آنها و بازداشتن آنها از رفتن به پای صندوق های آراء و یک سلسله توطئه های دیگر، همگی نشان از انتخاب آگاهانه مردم و طرد راست ترین و ارتجاعی ترین جناح حاکمیت از سوی میلیون ها رای دهنده ایرانی دارد. اگر جز این بود و ارتجاع به پیروزی خویش اعتماد داشت، هرگز این چنین یا تمام امکانات خود برای مقابله با رای مردم به میدان نیامده بود. تبلیغ بی وقته روزنامه های وابسته به ارتجاع و بازار، مبنی بر پیروزی از قبل تعیین شده "ناطق نوری" زیر فشار گذاشتن روحانیون مقیم قم برای حمایت از ناطق نوری، بخش نامه های محرمانه ای که از

سوی فرماندهان سپاه و بسیج برای رای دادن به ناطق نوری صادر شده، بخشنامه تهدید آمیز و دزغین جلال حیرت انگیز و رسوای وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی خطاب به روحانیون قم که به "ناطق نوری" رای بدهید، تبدیل رادیو و تلویزیون به بلند گوی انحصاری مولفانه اسلامی، ارتجاع مذهبی، روحانیون مبارز، حجتیه و... همه و همه نه قدرت، که ضعف و انزوای کامل این طیف و طرد آن از سوی مردم است. مقابله با این خواست و انتخاب مردم و تقلب در آراء مردم می تواند سرآغاز فصل نویسی در جنبش نوین مردم ایران شود. مردمی که رای آنها باطل می شود و یا رای آنها به حساب نمی آید، مردمی که فریاد اعتراض آنها به وضع موجود در جمهوری اسلامی، در اسلام شهر، قزوین، مشهد، همدان، ملایر، زنجان و... با گلوله پاسخ داده شده است و آراء آنها نیز باطل اعلام می شود، کدام راه حل را برای بیان نظر و گفتن حرف و خواست خویش، در برابر خود می یابند؟ این اساسی ترین سوالی است، که پاسخ آنرا تحمیل کنندگان رئیس جمهور به مردم ایران، باید امروز بدان و به سرنوشت اجتناب ناپذیر خویش در پایان آن بیاندیشند!

در مهاجرت

در خارج از کشور دو طیف مهاجر سیاسی وجود دارد: طیف راست و سلطنت طلب، که متکی به سیاست های جهانی امریالیسم عمل می کند و طیف چپ و اپوزیسیون ملی و طرفدار تحولات مثبت و مترقی در ایران. سیاست طیف نخست براندازی جمهوری اسلامی به هر قیمت و بازگشت به حکومت در ایران به هر وسیله است. طبعاً نیروهای میهن دوست، نه می توانند دنباله رو سیاست های آنها باشند و نه امید چندانی به تغییر سیاست های آنها می توانند داشته باشند. بنابراین روی سخن با طیف دوم و بویژه طیف چپ مهاجر است. مرور نشریات وابسته به این طیف، با آنکه درس هائیک را از تحریم نا درست انتخابات مجلس پنجم با خود دارد، اما همچنان در اسارت تبلیغات جناح راست باقی مانده و عملاً از کارزاری که در ایران جریان دارد فاصله خود را حفظ کرده اند. اینکه شرایط مطلوب برای شرکت در انتخابات چه باید باشد، واضح تر از آنست که نیازی به مرور آن باشد، بنابراین مشکل نا هماهنگی با شرایط واقعی داخل کشور و پذیرش آگاهی کنونی مردم ایران و حضور در کنار جنبش مردم است. همین مشکل علیرغم همه واقعیات انکارناپذیر ناشی از انتخابات مجلس پنجم، اجازه نداد، تا این سازمان ها بتوانند خود را از جو حاکم بر مهاجرت خلاص کرده و خود را به جریان انتخابات ریاست جمهوری و رویدادهای مربوط به آن در داخل کشور و جنبش مردم وصل کنند! مرور نشریاتی نظیر "نامه مردم" و "گار" در دوران اخیر، خود بهترین نمونه جدائی آنها از واقعیات داخل کشور و رویدادهایی است که با جان و مال و هستی مردم در شرایط کنونی در ارتباط است.

تمامی اخبار و اطلاعاتی که از نحوه نگرش دگراندیشان، وابستگان سابق و یا علاقمندان و هواداران سازمان های چپ و بویژه رفقای توده ای و فدائی از کارزار انتخابات ریاست جمهوری، از داخل کشور به ما رسیده، حکایت از تائید جنبش مردم برای طرد راست ترین و ارتجاعی ترین جناح حاکمیت، تشویق مردم به رای دادن و حضور در کارزار این انتخابات دارد. توده ای ها و فدائی ها در داخل کشور، در کنار مردم و به شیناخت و عزم آنها برای طرد نگرش اول و ارتجاعی ترین جناح حاکم و تائید نگرش دوم رای می دهند! باید با هر نوع توطئه، ارباب، تهدید، ایجاد تزلزل در عزم مردم برای رفتن پای صندوق های آراء، که ارتجاع حاکم سازمانده آنست، مقابله کرد و مردم را به رفتن به پای صندوق های آراء و دفاع از رای خویش برای طرد نگرش اول و انتخاب نگرش دوم تشویق کرد. اگر ارتجاع حاکم خانه نشینی مردم را می خواهد باید خلاف آن عمل کرد، اگر بازار و روحانیون بازاری نا امید مردم از رای و نظرشان را تبلیغ می کنند، باید با آن به مقابله برخاست، اگر فرماندهان سپاه پاسداران در کنار ارتجاع بازار و روحانیون بازاری قرار گرفته اند و از منافع غارتگرانه خود دفاع می کنند، باید بدنه سپاه و بسیج را تشویق به قرار گرفتن در کنار مردم و مقابله با این فرماندهان کرد. جنبش کنونی مردم ایران هیچ پشتوانه بین المللی و داخلی جز نیروی خود ندارد و این نیرو هراندازه وسیع تر و آگاه تر وارد صحنه عمل و مقابله شود و در هر مرحله که خود با عمل و خواست خویش به آگاهی بیشتر از طیف حکومتی دست یابد، همان اندازه مقاومت ها استوارتر و پیروزی های بدست آمده قابل دفاع تر خواهد بود. انتخابات مجلس پنجم سنگ بنای کارزار کنونی انتخابات ریاست جمهوری شد. کارزار انتخابات ریاست جمهوری و نتیجه آنرا باید و به سنگری دیگر برای نجات ایران از وضع کنونی و سنگری برای جلوگیری از سرنوشتی تبدیل ساخت، که انقلاب مشروطیت از آن محروم ماند و شکست خورد؛ حضور مردم در صحنه سیاسی، دفاع از آزادی ها، رشد آگاهی مردم و سهم ساختن آنها در سرنوشت خویش و کشور!

اخبار کارزار انتخاباتی

بازار تهران، یک سر توطئه هاست!

ستاد انتخاباتی ناطق نوری، یک مرکز فرماندهی مالی تاسیس کرده است. این فرماندهی تاکنون صدها میلیون تومان از بازاریها گرفته و خرج انتخابات کرده است. نامه ای که در زیر می خوانید با امضای احمد ناطق نوری (برادر علی اکبر ناطق نوری)، فرامند هاشمی زاده، فرزند ارشد امام جمعه رفسنجان و عبدلذرها حریرزای تهیه شده و در اختیار بازاریان تهران گذاشته شده است. هنگام مراجعه به بازاریها از آنها خواسته می شود، تا هم پول برای تبلیغ ناطق نوری بدهند و هم نیروی برای رای دادن به ناطق نوری بسیج کنند. فرامند هاشمی زاده، براساس مدارکی که در تهران پخش شده، در یک نوبت ۸۰۰ میلیون تومان به ستاد تبلیغات انتخابات ناطق نوری پرداخت کرده است. در بازار تهران، همه می دانند که او اگر فروتمندترین فرد ایران نباشد، یکی از فروتمندترین افراد ایران است. او را سلطان پسته ایران می شناسند. هنگام ارائه این نامه به بازاریها، به آنها وعده داده می شود که با انتخاب ناطق نوری همه مشکلات بازار حل خواهد شد!

گفته می شود، که در جریان بسیج سرمایه داران برای کمک به انتخاب ناطق نوری، حاج "نعم اتحاد" با گرفتن وعده موافقت تاسیس کارخانه فرش صادراتی انحصاری در خوزستان، خرج تبلیغات انتخاباتی ناطق نوری را در خوزستان متقبل شده است.

بیم از شورش مردم

از جمعه شب گذشته، سپاه پاسداران از بیم خشم مردم نسبت به ناطق نوری و تحمیل وی به مردم بعنوان ریاست جمهوری، حفاظت دفاتر تبلیغاتی ناطق نوری را در سراسر ایران برعهده گرفته است. این درحالی است که مردم در تلفن به روزنامه سلام، نسبت به ترور محمد خاتمی ابراز نگرانی کرده اند.

یورش به چاپخانه

از سوی سپاه پاسداران تهران، یک گروه ضربت به چاپخانه دولتی که عکسی از خاتمی را چاپ می کرده حمله کرده و این چاپخانه مهر و موم شده است. مسئول چاپخانه به مقر سپاه در سلطنت آباد برده شده است. در تهران همه می گویند که گشت ها و کمیته ها نگران وعده ای هستند، که خاتمی برای جلوگیری از فعالیت های غیر قانونی و تجاوز به حریم قانونی مردم داده است.

پایگاه نیروی دریایی

در پایگاههای نیروی دریایی، به فرمان "شمعخانی"، فرمانده نیروی دریایی، هیچکس حق فعالیت به سود دکتر خاتمی را ندارد و همه موظف شده اند به ناطق نوری رای بدهند. در تهران از ستاد نظامی صحبت است که برای به قدرت رساندن ناطق نوری توسط فرماندهان سپاه و نیروی دریایی تشکیل شده است!

خطر میر حسین موسوی!

در جریان کارزار انتخاباتی اخیر، انتشار نامه آیت الله مسعودی در روزنامه سلام و در انشای سفر توطئه آمیز سران موفتله اسلامی به شهر قم و دیدار با برخی آیت الله های این شهر، یکی از مهم ترین اخبار و افشا کننده ماهیت توطئه ها و زودبندهای این حزب بود. آیت الله مسعودی در نامه خود، درباره سفر رهبران موفتله اسلامی به قم برای تحت فشار گذاشتن جامعه مدرسین و گرفتن بیعت از آنها برای ناطق نوری، پس از معلوم شدن نتایج انتخابات مجلس پنجم، از جمله نوشت:

«مدیران محترم مسئول خبرگزاری و جراید کثیرالانتشار... بنده به عنوان عضو ۳۰ ساله جامعه مدرسین خدا را شاهد می گیرم که برای بقای قداست این جامعه گوشه ای از مسائل را ذیلا عرض می کنم. در رابطه با رای جامعه مدرسین نسبت به انتخابات ریاست جمهوری باید عرض کنم که هنوز کسانی خود را کاندیدای ریاست جمهوری نکرده بودند و فقط نام عده ای برده می شد، از جمله جناب آقای ناطق نوری و آقای میرحسین موسوی نخست وزیر سابق... یک روز جمعه آقایان هیات موفتله بدون وقت قبلی آمدند در جامعه و

گفتند که هیات موفتله اسلامی پس از بحث و گفتگو به این نتیجه رسیده و به اتفاق رای داده اند که از جناب آقای ناطق نوری پشتیبانی کنند و ایشان را به عنوان رئیس جمهوری معرفی نمایند. زیرا خطری از طرف آقای میرحسین موسوی احساس می شود و شاید ایشان ریاست جمهوری را ببرد و امور اقتصادی ما زیرسؤال برود... آقای آیت الله امینی فرمودند: وقتی هیات موفتله تصمیم گرفتند و به اتفاق رای دادند دیگر چه معنی دارد که از جامعه رهنمود بخواهد و این چه انتظاری است که جامعه دنبال رو آقایان باشد؟... روز جمعه بعد دو نفر از روحانیت مبارز تهران آمدند و جناب آقای یزدی هم با آن آقایان بود. (یزدی رئیس قوه قضائیه است!!) این آقایان هم در باره خطر کاندیدا شدن آقای موسوی سخن گفتند... آقای استادی (حجت الاسلامی که مرتب با روزنامه رسالت مصاحبه کرده و نقش سخنگوی موفتله، روحانیت مبارز را برعهده گرفته است) با تندی گفتند: "شما نمی گذارید کارمان را انجام دهیم و همیشه کارشکنی می کنید و وقت کشی می کنید". یک نفر از آقایان بلند شد و کاغذهایی را به عنوان رای پخش کردند و گفت که خطر آقای میرحسین موسوی در کار است. آقایان هم به عنوان این که آقای ناطق نوری صالح هستند، ۱۴ رای دادند. عده ای منتع بودند و دو نفر هم به آقای هاشمی و ریشهری رای دادند...»

این نامه سندی گویاست، از توطئه بازار برای فریب روحانیون قم، عدم اتفاق آراء مدرسین قم برای انتخاب ناطق نوری، توطئه های پشت صحنه برای جلوگیری از رئیس جمهور شدن میرحسین موسوی، شرکت داشتن رئیس قوه قضائیه در توطئه به ریاست جمهور رساندن رئیس قوه مقننه کنونی ناطق نوری و از همه مهمتر بیم و هراس روحانیت مبارز تهران و موفتله اسلامی از تغییر ساختار اقتصادی کنونی در جمهوری اسلامی است.

طرح تغییر جمهوری اسلامی به حکومت عدل اسلامی

انشای طرح سران موفتله اسلامی برای لغو قانون اساسی و تبدیل جمهوری اسلامی به حکومت عدل اسلامی بیم و هراس از قدرت مطلقه ارجع مذهبی-بازاری در ایران تشدید کرده است. نشریه "شما"، ارگانی موفتله اسلامی در شماره ۲۱ فروردین گذشته نوشت، که این جمعیت طرحی را توسط عسگر اولادی که اکنون عضو شورای تشخیص مصلحت نظام شده، به این شورا تسلیم کرده است، که براساس آن جمهوری اسلامی لغو و بجای آن حکومت عدل اسلامی تصویب شود. براساس این پیشنهاد قانون اساسی خود به خود لغو شده و امور مملکت به فقها سپرده می شود. بدین ترتیب بازار و ارجع مذهبی خود را آماده تحمیل همان طرحی را به مردم ایران می کند، که از ابتدای پیروزی انقلاب و در مخالفت با تنظیم و تصویب قانون اساسی خواهان آن بود. آنها همان کتاب های فقه و نظر فقها را قانون اسلامی می دانند. البته آن فقها و آن دسته از قوانین فقهی که تابع بازار و سرمایه داری است!

جناح راست خود را آماده مذاکره با امریک

اعلام کرد

همزمان با اوج گیری تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، دیدار اندیشمندان ایرانی مقیم امریکا از ایران و مذاکرات آشکار و پنهانشان با جناح راست، در محافل سیاسی تهران مطرح است. این هیات را پرفسور "عنایت الله رضا" رهبری می کند. وزیر راه، در جریان دیدار با این هیات و در اشاره به باز بودن راه مذاکره با امریکا گفته است: "مشکل ما با مصر حل شد و ما با هیچ کشوری جز اسرائیل مسئله نداریم". بدنبال این مذاکرات، روزنامه "شما"، ارگانی مرکزی جمعیت موفتله اسلامی، طی سرمقاله ای در شماره هشتم خود و در اشاره به باز شدن فضای مذاکرات رسمی با امریکا توسط دولت احتمالی ناطق نوری نوشت: «امروز آن میش سال های اول انقلاب، شیرین ژبان است که به عنایات خداوندی و حضور عظیم مردمی و رهبری ولایت فقیه، هیچ گرگی نمی تواند غلطی بکند. اگر در امریکا سیاستمداران سرعقل آمده باشند... می شود موضوع (رابطه) تحت بررسی قرار گیرد»

از فاکس و تلفن شماره ۰۴۵-۳۲۰۲۱۳۳-۴۹ (آلمان)
می توانید برای تماس سریع با "راه توده" و ارسال اخبار و گزارش های خود استفاده کنید.